

نهادهای بین‌المللی و جامعه‌پذیری دولت‌ها (مطالعه موردی گروه ویژه اقدام مالی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۲

نادر پورآخوند درزی*

محمد طاهری خنکداری**

محمد عباسی***

چکیده

این پژوهش به دنبال بررسی چگونگی ایفای نقش نهادهای بین‌المللی‌ای چون گروه ویژه اقدام مالی در فرایند جامعه‌پذیری دولت‌ها است. جهت دستیابی به این هدف، این فرضیه مدنظر قرار گرفت که نهادها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله گروه ویژه، از نظر ساختاری به گونه‌ای عمل می‌کنند که دولت‌ها را در حین ورود یا در ضمن مشارکت در تعاملات درون نهادها و سازمان‌ها جامعه‌پذیر می‌سازند و آنها را به درونی‌سازی هنجاری‌های مورد حمایت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و در نتیجه به تغییر رفتارها و ترجیحات ترغیب می‌نمایند. بنابراین، با استفاده از روش توصیفی-تبیینی و نظریه سازه‌انگاری، به تحلیل سازگاری دولت‌ها با اصول و هنجارهای بین‌المللی مورد حمایت نهادهای بین‌المللی پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی

نهادهای بین‌المللی، گروه ویژه اقدام مالی، جامعه‌پذیری بین‌المللی، روابط بین‌الملل.

* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

nader1353@gmail.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، ایلام، ایران. mohammadtaheri52@yahoo.com

ma10773@gmail.com

*** دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم و فنون فارابی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیست‌وپنجم • شماره چهارم • زمستان ۱۴۰۱ • شماره مسلسل ۹۸

مقدمه

جامعه‌پذیری یکی از مفاهیم اساسی در رشته جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و مردم‌شناسی است. این مفهوم به تدریج وارد حوزه سیاست بین‌الملل شد و به یکی از موضوعات اساسی در زمینه شکل‌گیری یا تغییر هویت و ترجیحات دولت تبدیل شده است. استعاره جامعه‌پذیری در حوزه روابط بین‌الملل بر این امر دلالت دارد که دولت‌ها همانند افراد در داخل یک گروه با یکدیگر تعامل دارند و الگوهای رفتاری و انتظارات نقشی را درونی می‌سازند. یکی از موضوعاتی که در زمینه جامعه‌پذیرسازی دولت‌ها مطرح است، نقش کارگزاران جامعه‌پذیرساز به طور اخص نهادهای بین‌المللی در جامعه‌پذیرسازی دولت‌ها است. جریان اصلی روابط بین‌الملل به طور اخص لیبرالیسم نهادگرا، اگرچه به نقش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در تسهیل تعاملات و همکاری بین دولت‌ها اذعان دارد اما نهادها و سازمان‌های بین‌الملل را به عنوان مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهایی تلقی می‌کند که بازیگران دولتی را از طریق مجازات‌های مادی محدود می‌سازند و ترجیحات بازیگران را به طور اساسی تغییر نمی‌دهند. نظریه پردازان لیبرالیسم نهادگرا می‌پذیرند که محدودیت‌های ناشی از تعاملات اجتماعی می‌تواند ترجیحات بازیگران را تغییر دهد اما به نقش نهادها در جامعه‌پذیرسازی دولت‌ها اعتقادی ندارند.

در مقابل سازه‌انگاری با اتخاذ رویکرد جامعه‌شناختی نگاهی جامع‌تر به نهادهای بین‌الملل دارد و از منظر هنجاری به بررسی نقش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در جامعه‌پذیری دولت‌ها می‌پردازد. سازه‌انگاران با تأکید بر رابطه متقابل ساختار و کارگزار استدلال می‌کنند نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بعد از تشکیل، می‌توانند منشأ قدرت گفتمانی باشند که قدرت مادی دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از این رو مقاله حاضر با استناد به نظریه سازه‌انگاری در صدد بررسی نقش گروه ویژه اقدام مالی به عنوان یک نهاد بین‌المللی هنجارساز در زمینه مبارزه با پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم است. این نهاد از زمان تأسیس در سال ۱۹۸۹ به تدریج هنجارهایی در زمینه مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم تدوین نموده و با تعیین استانداردهای رفتاری به ارزیابی میزان پیروی کشورها از این هنجارها می‌پردازد. بر این اساس این سؤال مطرح می‌شود که نهادهای

بین‌المللی به طور عام و گروه ویژه اقدام مالی به طور خاص چگونه و با اتخاذ چه راهبردهایی به جامعه‌پذیری دولت‌ها می‌پردازند؟

مقاله حاضر برای پاسخ به سؤال فوق این ایده را مطرح می‌سازد که ویژگی ساختاری نهادها و سازمان‌های بین‌المللی به گونه‌ای عمل می‌کند که دولت‌ها را در حین ورود یا در حین مشارکت در تعاملات درون نهادها و سازمان‌ها جامعه‌پذیر می‌سازد و آنها را به درونی‌سازی هنجاری‌های مورد حمایت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و در نتیجه به تغییر رفتارها و ترجیحات ترغیب می‌نماید. این ویژگی ساختاری (طرد کننده/ دربرگیرنده) به مثابه یک متغیر مستقل عمل می‌کند و دولت‌ها به منظور جلوگیری از مجازات یا بهره‌مندی از پاداش‌های مادی و اجتماعی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، رفتار و هویت خود را با آن هنجارها تطبیق می‌دهند و آن‌ها را درونی می‌سازند. در این مقاله منظور از ویژگی طرد کننده، هنجارهای تکوینی و تنظیمی است که الگوهای رفتاری مناسب در داخل نهاد را تبیین و تنظیم می‌کنند و دولت‌ها برای عضویت در یک نهاد ملزم به پذیرش و درونی‌سازی آنها هستند. منظور از معیارهای دربرگیرندگی، سازوکارهایی است که از طریق آن، نهادهای بین‌المللی ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر خود را به هنگام تعامل اجتماعی در داخل نهاد به اعضا آموزش می‌دهند. این مقاله با اتخاذ روش توصیفی-تبیینی به عنوان روش تحقیق، در صدد نشان‌دادن تأثیر رویکردهای نهادهای بین‌المللی به طور عام و گروه ویژه اقدام مالی به طور خاص در درونی‌سازی هنجارهای بین‌المللی است.

الف) پیشینه تحقیق

ادبیات موجود در خصوص جامعه‌پذیری دولت را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. یک دسته از آثار به بررسی مفهومی جامعه‌پذیری دولت و رابطه آن با مفاهیم مشابه مانند یادگیری سیاست خارجی، پیروی از هنجارها و امکان جامعه‌پذیری یا عدم جامعه‌پذیری دولت می‌پردازند. مهمترین اثر در این زمینه مقاله الدرسون (Alderson, 2001) است. دسته دیگر از منظر نظری به بررسی جامعه‌پذیری دولت و عوامل تأثیرگذار بر آن می‌پردازند. این دسته آثار را می‌توان در قالب دو رویکرد خردگرایانه و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار داد. محققان رویکرد خردگرایانه عمدتاً از منظر ساختاری (Thies, 2010) و هژمونی (Ikenberry & Kupchan, 1990) به بررسی

جامعه‌پذیری دولت پرداخته‌اند. نویسندگانی مانند چکل (Checkel, 2005)، فولکارت (Flockhart, 2005) و گیسو (Gheciu, 2005) از منظر جامعه‌شناختی با استفاده از رویکرد سازه‌انگارانه به بررسی جامعه‌پذیری کشورهای اروپای شرقی پرداخته‌اند. در زبان فارسی نیز برخی آثار به بررسی موضوع جامعه‌پذیری دولت پرداخته‌اند. مشیرزاده (۱۳۹۳) و دهقانی و جدیدی (۱۳۸۹) به تبیین نظری سازمان‌های بین‌المللی بر مبنای نظریه سازه‌انگاری می‌پردازند. این آثار بیشتر بر نقش سازمان‌های بین‌المللی در نظریه سازه‌انگاری پرداخته و به نقش آنها در جامعه‌پذیرسازی دولت‌ها توجه چندانی ندارند. علاوه بر این چگینی‌زاده و پورآخوندی (۱۳۹۳) و مفیدی احمدی (۱۳۹۳) به بررسی مفهوم جامعه‌پذیری دولت از منظر نظریات مختلف روابط بین‌الملل پرداخته‌اند. در میان مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده مطالعات راهبردی در این زمینه آثار درخور توجهی را منتشر کرده است: جامعه امن و همسایگان تألیف الکس. جی. بلامی برگردان محمود یزدان‌فام و پریسا کریمی (۱۳۸۵)، فرهنگ امنیت ملی تألیف پیتر. جی. کتزنشتاین برگردان محمدهادی سمتی در دو جلد (۱۳۹۰) و قواعد و هنجارهای بین‌المللی تألیف محمود یزدان‌فام (زمستان ۱۳۸۷) که همگی به نوعی به نقش هنجارهای بین‌المللی در اجتماعی شدن دولت‌ها در روابط بین‌الملل اشاره داشته و به نقش نهاد‌های بین‌المللی در جامعه‌پذیرسازی دولت التفاتی ندارند.

ب) سازه‌انگاری و جامعه‌پذیری دولت

از نظر سازه‌انگاری، جامعه‌پذیری یک فرایند شناختی جاری و دائمی است که از طریق تعامل بین‌المللی، هویت و منافع دولت برساخته می‌شود. دولت‌ها در شبکه مترابندی از روابط اجتماعی فراملی و بین‌المللی قرار دارند که برداشت‌های آنها از جهان و نقش آنها در جهان را شکل می‌دهد. از این منظر جامعه‌پذیری سازوکاری است که دولت‌ها با پذیرش هنجارهای مرجع جامعه بین‌المللی به تغییر هویت و منافع خود ترغیب می‌شوند (Risse et al, 2007: 11). تعریف سازه‌انگاران از جامعه‌پذیری وجود یک جامعه را مفروض می‌گیرد و جامعه‌پذیری یکی از فرایندهای اساسی برای عضویت در جامعه بین‌المللی است. از این منظر، سازه‌انگاران جامعه‌پذیری را ساز و کار علی در نظر می‌گیرند که از طریق آن هنجارها بر کنش‌ها و ترجیحات

دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. جامعه‌پذیری موفقیت‌آمیز منجر به اتخاذ هنجارهای جدید و بازتعریف هویت و منافع مطابق با این هنجارهای جدید می‌شود زیرا آنها به عنوان هنجار جدید درونی شدند. سازه‌انگاران با استناد به نظریه هویت، تغییر هویت را به تغییر رفتار ربط می‌دهند و معتقدند بازیگران بعد از آن که در معرض هنجارهای نهادهای بین‌المللی قرار گرفتند، درمی‌یابند که منافع نهادها، هویت اصلی آنها است و منافع ملی در مرحله بعدی قرار دارد و برخلاف آن چه که قبلاً تصور می‌کردند بین منافع نهاد با منافع ملی تعارضی وجود ندارد (Zürn & Checkel, 2005: 33).

سازه‌انگاران، روابط بین نهادهای بین‌المللی و بازیگران را مبتنی بر الگوهای برساختی می‌دانند. بدین معنی که تعاملات بازیگران از یک سو نهادها را برساخته می‌سازد و از سوی دیگر نهادها، بازیگران را برمی‌سازند. بر این اساس سازه‌انگاران نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را نه تنها به عنوان یک نمایندگی جمعی بلکه به مثابه یک نهاد جامعه‌ساز نیز در نظر می‌گیرند. راگی و کراتوکویل نهادها را به عنوان نهادهای اجتماعی در نظر می‌گیرند که انتظارات بازیگران را همگرا می‌سازند. منظور آنها از «نهاد اجتماعی» این است که میزان همگرایی قبل و بعد از ورود به نهاد باید فرق داشته باشد؛ عمدتاً به این دلیل که ابتدا باید تعاملاتی بین کارگزاران در درون نهادها روی دهد تا جامعه‌پذیری صورت گیرد (Martin and Simmons, 1998: 746).

سازه‌انگاران معتقدند نهادها به عنوان یک نهاد آموزش‌دهنده و مراقبت‌کننده فعالیت‌ها عمل می‌کنند و هنجارهای اجتماعی را به دولت‌های غیرعضو ارائه می‌دهند. نهادها ارزش‌ها و اهداف سیاسی نهادینه‌شده در فرهنگ سیاسی جهانی را برای دولت‌ها فراهم می‌آورند، به آنها یاد می‌دهند که از چه هنجارهایی پیروی کنند و چه ترجیحاتی را توسعه دهند. کنشگران از طریق فرایند یادگیری در داخل سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی با انتظارات متقابل یکدیگر آشنا می‌شوند و یکدیگر را مورد شناسایی قرار می‌دهند. علاوه بر این، نهادها برای نهادینه‌شدن هنجارها در نظام داخلی به حمایت اطلاعاتی و فنی می‌پردازند و میزان نهادینه‌شدن را پایش و ارزیابی می‌کنند. سازه‌انگاران تأثیرات هنجارهای مورد اشاعه نهادها و سازمان‌ها بر نظام سیاسی دولت‌ها را بر مبنای میزان درونی‌شدن هنجارها می‌سنجند (Schimmelfennig, 2005: 10). آنها درونی‌شدن هنجارها را معمولاً به صورت رسمی، رفتاری و شناختی نشان می‌دهند. تأثیرات جامعه‌پذیری در

قالب رسمی را می‌توان به صورت انتقال هنجارهای بین‌المللی به قوانین رسمی یا ایجاد نهادهای رسمی و رویه‌هایی دید که به اجرای هنجار بین‌المللی کمک می‌کند. پذیرش رفتاری بدین صورت است که رفتار دولت جامعه‌پذیر متناسب با هنجار تصریح شده از سوی نهادها و سازمان‌های موردنظر باشد. تأثیرات شناختی این است که هنجارهای مورد اشاعه بر گفتمان بین‌بازیگران داخلی تأثیرگذار باشد. هنجارهای بین‌المللی در این مرحله تأثیر تکوینی و علی بر رفتار دولت دارند و با تغییر ترجیحات دولت‌ها ضمن کنترل و تنظیم رفتار دولت‌ها، هویت و منافع آنها را شکل می‌دهند.

ج) راهبردهای نهادهای بین‌المللی برای جامعه‌پذیرسازی

جامعه بین‌المللی به مثابه یک نظام هم‌بسته، متعاقب رویکرد گروسوسوس، جامعه‌ای است که در آن دولت‌ها به هنجارها و قواعد مشترک در طیف وسیعی از حوزه‌های موضوعی وفادارند و این وفاداری شرط مشارکت‌شان در آن نظام محسوب می‌شود (کنزشتاین، ۱۳۹۰، ج ۱: ۷۷). وضعیت موجود جامعه بین‌المللی ایجاب می‌کند که اعضای سازمان‌های بین‌المللی به سویی رهنمون شوند که فیلپ جسوپ آن را به عنوان تئوری «منافع مشترک» و «حس مسئولیت برای نیل به سعادت و رفاه مشترک» معرفی نموده است. این استنباط، یکی از مناسب‌ترین برداشت‌های موجود از مأموریت و کارکرد نهادهای بین‌المللی نظیر گروه ویژه اقدام مالی است که می‌تواند نقش مؤثری در جامعه‌پذیرسازی دولت‌ها داشته باشد. این تعبیر را می‌توان با تئوری معروف «عملکرد مضاعف» ژرژسل هم‌راستا دانست (والتی‌کوس، ۱۳۷۶: ۱۹۱).

نهادها و سازمان‌های بین‌المللی که از جمله ابزارهای تأثیرگذار بر رفتار کشورها در روابط بین‌الملل و نظام جامعه‌پذیرسازی بین‌المللی محسوب می‌شوند، برای وادارکردن دولت‌ها به پیروی از هنجارهای تکوینی و تنظیمی مورد نظر خود از دو رویکرد ساختاری یا پردکننده و رویکرد هنجاری یا دربرگیرنده استفاده می‌کنند. متقابلاً، دولت‌ها نیز در مقابل این فشارهای بین‌المللی، احتمالاً سه گونه رفتار از خود بروز دهند: نخست، ایجاد دژی مستحکم و متصلب در مقابل این فشارها به مثابه تهدیدی برای هویت خود؛ دوم، دوسوگرایی و عدم تأثیرپذیری روابط دولت

تحت فشار از بیرون ضمن حفظ روابط آنها با هم؛ و سوم، همگرایی، انعطاف‌پذیری و تأثیرپذیری روابط دولت تحت فشار هنجارهای بین‌المللی (بلامی، ۱۴۰۱: ۲۹).

۱) رویکرد پردکننده

رویکرد پردکننده بر جامعه‌پذیری از بیرون دلالت دارد. راهبرد اصلی در این رویکرد استفاده از شرایط و قواعد عضویت در نهاد بین‌المللی برای جامعه‌پذیرسازی دولت است. نهادها و سازمان‌های بین‌المللی متناسب با هنجارهای ارزشی خود، پیش‌شرط‌هایی برای عضویت مشروع و کامل مطرح کرده و ویژگی‌های خاصی را برای عضویت اعضا مطرح می‌نمایند. پذیرش آنان به عنوان عضو کامل در جامعه منوط به پذیرش هنجاری تکوینی نهادهای بین‌المللی است. این سازمان‌ها پذیرش این قواعد را مرتباً و به طور منظم مورد ارزیابی قرار می‌دهند. دولت‌های مایل به عضویت در سازمان باید این قواعد را بپذیرند و در صدد بسط و تعمیق این ارزش‌های اساسی برآیند. این گونه سازمان‌ها معمولاً فرایند ادغام درجه‌بندی‌شده‌ای را در پیش می‌گیرند بدین معنی که به طبقه‌بندی کشورها به صورت کشور مهمان، کشور عضو ناظر، کاندیدا برای عضویت و نهایتاً عضو کامل می‌پردازند. این درجه‌بندی نوعی منزلت اجتماعی ایجاد می‌کند و میزان متفاوتی از مشروعیت بین‌المللی به اعضا می‌بخشد. دولت‌هایی که این خواسته‌ها را برآورده نسازند یا اصلاحات سیاسی را برآورده ننمایند، از عضویت کامل در سازمان محروم می‌شوند (Schimmlfennig, 2005: 832). کشورهایی که بعدها به این سازمان اضافه می‌شوند با معمای اجرای اصلاحات در جامعه و اتخاذ مجموعه‌ای از روندهای هزینه‌بر مواجه می‌شوند، بدون آن که تضمینی برای پذیرش عضویت وجود داشته باشد و چه بسا مانند ترکیه برای دهه‌ها پشت درهای عضویت کامل در اتحادیه اروپا باقی بمانند. در نتیجه عضویت فراگیر اصلاً در این گونه نهادها مطرح نیست و تعداد اعضای این گونه سازمان‌ها معمولاً اندک بوده و عضویت در آنها بسیار سخت است.

بر این اساس قواعد پذیرش عضویت و ارزیابی سوابق کاندیداها به مثابه ساختارهایی برای جامعه‌پذیری عمل می‌کند. این شرایط و قواعد به مثابه یک معیار جداساز و هویت‌ساز عمل کرده و تعیین می‌کنند که چه کسانی می‌توانند به عضویت نهادها درآیند و از مزایای عضویت

بهره‌مند شوند (Koremenos and et al, 2001: 763). ایجاد شرایط محدودکننده برای پذیرش عضویت مبتنی بر این فرض است که تبیین و تعمیم معیارهای پذیرش و عضویت در نهادها بر هماهنگی‌ها در درون نهادها تأثیر می‌گذارد؛ چراکه هماهنگی ارزشی بین اعضای جامعه، در ارتقای همکاری بین اعضا، کاهش عدم قطعیت و کاهش هزینه‌های همکاری بسیار مؤثر است. این نهادها از طریق این قواعد، هنجارها و شرایط تضمین می‌کنند که اعضا متمایل به تعدیلاتی در سیاست‌ها و رفتارهای خود هستند یا نه. این قواعد و هنجارها عامل تسهیل‌کننده همکاری-های بین‌المللی به شمار آمده و ضمن محدودکردن رفتار دولت‌ها، توانمندی‌هایی نیز در اختیار آنها قرار می‌دهند تا منافع ملی خود را تأمین نمایند (یزدان‌فام، ۱۳۸۷: ۷۶۳). علاوه بر این، معیار عضویت، دولت‌های عضو را قادر می‌سازد که از ترجیحات سایر کشورها آگاهی داشته باشند و تنها دولت‌هایی را مورد پذیرش قرار دهند که دارای ویژگی‌های معین بوده و حاضر به تقبل هزینه‌های ضروری برای حضور در سازمان هستند.

ناتوانی یا عدم تمایل یک دولت در تأمین معیار عضویت در یک نهاد بین‌المللی، نشانه قوی و روشنی برای سایر دولت‌ها در زمینه مشروعیت و مقبولیت دولت متقاضی ارسال می‌کند زیرا پذیرش در نهادهای بین‌المللی نیاز یک کشور به تشخیص و مشروعیت را برطرف می‌سازد. پذیرش عضویت در گروه کشورهای هم‌فکر، هویت دولت و مشروعیت ارزش‌های سیاسی و اجتماعی آن دولت را تضمین می‌کند. از سوی دیگر عدم پذیرش یک دولت در نهادهای بین‌المللی مهم منجر به «انگشت‌نمایشدن» در سطح جهانی خواهد شد و شهرت و اعتبار آنها را به عنوان شریک خوب مخدوش می‌گرداند.

۲) رویکرد دربرگیرنده

این رویکرد در صدد جامعه‌پذیرسازی دولت‌ها در داخل نهاد بوده و مبتنی بر این فرض است که وقتی اعضا وارد نهادها شدند، آنگاه می‌توان با استفاده از فشار هنجاری موجود در درون نهاد و فشارهای سایر اعضای نهاد، عضو جدید را جامعه‌پذیر ساخت. از این منظر نهاد ابتدا اجازه می‌دهد که کشور غیرعضو به عضویت نهاد درآید و آنگاه قواعد جامعه را به آنها آموزش

می‌دهد همچون سازمان امنیت و همکاری اروپا. نهادها در این رویکرد از دو راهبرد اقناع‌سازی و یادگیری اجتماعی استفاده می‌کنند.

اقناع‌سازی به معنی تغییر افکار، اعتقادات و ایستارها درباره رابطه بین پدیده‌ها بدون اجبار ذهنی و مادی است. از منظر سازه‌انگاری بازیگرانی که درگیر اقناع‌سازی هستند از زور استفاده نمی‌کنند. آنها وعده منافع مادی مستقیم نمی‌دهند، بلکه تلاش می‌کنند یک اقدام را به عنوان اقدام درست معرفی نمایند. چنین اقدامی در چارچوب ایده‌هایی صورت می‌گیرد که به صورت اجتماعی برساخته شدند.

اقناع‌سازی مبتنی بر کنش ارتباطی هابرماس است. استدلال‌ها در تعاملات اجتماعی بر مبنای چانه‌زنی راهبردی صورت نمی‌گیرد بلکه دربرگیرنده تلاش برای رسیدن به پیش‌فرض‌های اساسی مشترک در مورد ساختار تعاملات بازیگران، منافع مشروع بازیگران و روش‌های مشروع است (Johnston, 2002: 153). اقناع‌سازی هنگامی موفقیت‌آمیز است که کنشگران وارد چارچوب کنشی مشترک شوند که متشکل از فهم مشترک درباره هنجارهایی است که به عنوان هنجار مشروع تلقی می‌شود. این فرایند منجر به تفسیرهای جمعی مشترک از جهان، هنجارها و قواعد مشروع می‌گردد (Gheciu, 2005: 93). ابزار اصلی برای اقناع‌سازی موفقیت‌آمیز استدلال برتر است. از نظر چکل مؤثر واقع شدن این نوع شیوه استدلالی مستلزم این است که متقاعدشونده دارای اعتقاداتی تقریباً نزدیک به پیام متقاعدکننده باشد و متقاعدکننده عضو مشروع و برجسته گروهی باشد که متقاعدشونده خواهان عضویت در آن است (Checkel, 2001: 563). بر این اساس اقناع‌سازی زمانی روی می‌دهد که دو طرف به یکدیگر اعتماد داشته باشند و هر یک صحت شواهد، مفاهیم و استنباطات طرف مقابل را بپذیرند.

نفوذ اجتماعی، یکی دیگر از راهبردهای نهادها برای جامعه‌پذیرسازی دولت‌ها است. نفوذ اجتماعی به روندی اشاره دارد که از طریق آن توزیع پاداش‌ها و مجازات‌های اجتماعی موجب رفتار مطابق هنجار می‌گردد. در نفوذ اجتماعی، پذیرش هنجار نه به خاطر صلاحیت اقناع‌ساز بلکه به خاطر اجتناب از مجازات‌های اجتماعی است (Zürn & Chckel, 2005: 1052). پاداش و مجازات‌ها به این دلیل اجتماعی هستند که تنها گروه می‌تواند آنها را فراهم آورد و تنها گروه‌هایی که نگرش آنها برای کنشگر با ارزش است، دارای این نفوذ خواهند بود. یکی از

سازوکاری‌های نفوذ اجتماعی برای مجازات کشورهای خاطی استفاده از ابزار شرمسازسازی است. شرمسازسازی به معنی افشای علنی اهداف و رفتار غیرمشروع است. اعضای که واقعاً به هنجارهای جامعه بین‌المللی اعتقاد دارند، اما نتوانسته‌اند در مقابل وسوسه رفتار خودخواهانه مقاومت کنند، واقعاً احساس شرمساری خواهند کرد و رفتار خود را تغییر خواهند داد (Schimmelfennig, 2001: 507).

د) گروه ویژه اقدام مالی و جامعه‌پذیری دولت‌ها

گروه ویژه اقدام مالی در سال ۱۹۸۹ به منظور مقابله با پول‌شویی در جهان توسط هفت کشور صنعتی جهان تأسیس شد و در حال حاضر دارای ۳۹ عضو و یک عضو ناظر (اندونزی) بوده و دو سازمان منطقه‌ای یعنی کمیسیون اروپا و شورای همکاری اروپا نیز در آن عضویت دارند. همکاری با نهادهای منطقه‌ای بخش مهمی از سیاست راهبردی این نهاد است تا از این طریق اطمینان حاصل شود که تمام کشورهای جهان در مبارزه با پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم فعال هستند. این نهاد با نهادهای منطقه‌ای همکاری دارد که به شبه‌گروه ویژه اقدام مالی معروف هستند. علاوه بر این، بسیاری از سازمان‌های مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به عنوان عضو ناظر در جلسات این نهاد شرکت می‌کنند.

دستور کار این گروه در طول زمان بسط داده شده است. بعد از حملات یازدهم سپتامبر، موضوع مقابله با تأمین مالی تروریسم به دستور کار آن اضافه شد. رهبران ۲۰ کشور برتر اقتصادی جهان در آغاز بحران مالی در سال ۲۰۰۸ از گروه ویژه اقدام مالی به عنوان بازیگر جهانی برای ایجاد ساختار جدید در زمینه تنظیم مبادلات مالی در سطح بین‌المللی یاد کردند. علاوه بر این، آنها در سی‌امین اجلاس گروه ویژه اقدام مالی در سال ۲۰۱۹ بر یک دستورکار باز، موافقت کردند و اذعان داشتند این گروه از یک مجمع موقتی برای مبارزه با پول‌شویی، مقابله با تأمین مالی تروریسم و مقابله با اشاعه به یک نهاد تعیین‌کننده استانداردهای مشروع تبدیل شده است. حضور بسیاری از بازیگران بین‌المللی مهم مانند روسیه، هند و چین در کنار سایر کشورهای صنعتی دنیا به تدریج این نهاد را به یک نهاد حکمرانی جهانی تبدیل کرده است (Gathii, 2010: 2).

هدف اصلی گروه ویژه اقدام مالی، تدوین استانداردها و ارتقا و اجرای کارآمد معیارهای تنظیمی، قانونی و عملیاتی برای مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و سایر تهدیدات به تمامیت نظام مالی بین‌المللی است. گروه ویژه اقدام مالی ۴۹ توصیه برای مقابله با پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم صادر کرده است که ۴۰ توصیه در مورد پول‌شویی و ۹ توصیه در خصوص مقابله با تأمین مالی تروریسم است. این گروه پیروی از توصیه‌های این نهاد را در بیش از ۱۹۰ کشور مورد پایش و ارزیابی قرار می‌دهد. معیارها و استانداردهای توصیه‌ای، این گروه را به نهاد تدوین‌کننده هنجارها و معیارها در خصوص پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم تبدیل کرده است که مبتنی بر هنجار یا قانون نرم است؛ بدین معنی که از طریق یک سری مجموعه هنجارهای غیرالزام‌آور، فرایندهای بین‌المللی را تنظیم می‌کند (Turner, 2015: 550).

صورت‌بندی توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی نمایانگر اولویت‌های اقتصادی غرب و منافع اساسی آنها به‌ویژه اعضای مؤسس آن است. این توصیه‌ها تا حد زیادی مبتنی بر دیدگاه بازیگران اصلی مالی جهان است که تفاوت‌های ظریف در کشورهای در حال توسعه در آن نادیده گرفته می‌شود. در داخل توصیه‌های این گروه پوشش‌های بسیار پیچیده‌ای از سلطه اقتصاد بازار وجود دارد که در صدد کنترل و برتری اقتصاد بازار آزاد بر اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده و مشارکتی است (Ghoshray, 2015: 533). این بازیگران تلاش می‌کنند با پیوند دادن توصیه‌های این گروه، با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل یا توصیه‌های نهادهای مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به صورت غیرمستقیم قدرت اجرایی و تأثیرگذاری توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی را افزایش دهند و آن را به یک هنجار مشروع بین‌المللی تبدیل سازند. برای مثال شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه‌های مختلف مانند قطعنامه ۱۵۴۰ در سال ۲۰۰۴ یا قطعنامه ۱۹۲۹ در سال ۲۰۰۹ علیه ایران، از کشورها درخواست می‌کند توصیه‌های این نهاد را به اجرا گذارند. علاوه بر این، شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ با قطعنامه ۱۷۱۶ به طور صریح از دول عضو درخواست نمود که توصیه‌های این گروه را اجرا کنند.

هـ) رویکردهای گروه ویژه اقدام مالی برای جامعه‌پذیرسازی

گروه ویژه اقدام مالی به عنوان یک نهاد سیاست‌گذار و نیز قاعده‌ساز بین‌المللی برای جامعه‌پذیرسازی دولت‌ها و تغییر رفتار و ترجیحات بازیگران از دو رویکرد به صورت ترکیبی استفاده می‌کند: مرحله اول مبتنی بر رویکرد پردکنندگی و درونی‌سازی قانونی و نهادی؛ و مرحله دوم مبتنی بر رویکرد دربرگیرندگی و درونی‌سازی رفتاری و شناختی است. این تشکیلات به عنوان یک نهاد سیاستگذار بین‌دولتی در عرصه بین‌المللی از طریق ایجاد استانداردهای بین‌المللی، در سطوح ملی و بین‌المللی سیاست‌ها و روش‌های مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریستی را تعیین و تدوین می‌کند و به صورت ترکیبی به اجرا در می‌آورد.

۱) رویکرد پردکنندگی: درونی‌سازی رسمی و نهادی

بر مبنای رویکرد پردکنندگی عضویت در این نهاد، مستلزم انجام اقداماتی مقدماتی در سطح اجرایی و قانونی است. گروه ویژه اقدام مالی بر مبنای این رویکرد تلاش می‌کند از طریق درونی‌سازی رسمی و نهادی، الگوهای رفتاری دولت‌های عضو را تغییر دهد. بر این اساس از معیارهای بسیار سخت‌گیرانه برای عضویت کشورها در این نهاد استفاده می‌شود. عضویت در این نهاد از طریق یک فرایند طولانی‌مدت و دو مرحله‌ای صورت می‌گیرد و مشخص می‌سازد که کشورها چگونه از طریق اقدامات قانونی و نهادی با مسئله پولشویی و تأمین مالی تروریسم مقابله کنند. اتخاذ این رویه ناشی از تجربیات گذشته در مقابله با پولشویی بوده است. تعارض قوانین امکان سوء استفاده را در اختیار مجرمان قرار می‌داد. از این رو گروه ویژه تلاش کرد با ایجاد یک تعریف هماهنگ از پولشویی و تأمین مالی تروریسم، همسان‌سازی حقوقی ایجاد کند و اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها را تسهیل نماید.

کشور متقاضی باید یک تعهد کتبی در سطح سیاسی و وزارتی ارائه دهد که این موارد را شامل شود: توصیه‌ها و متدولوژی موجود در کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و رژیم مبارزه با پولشویی را تأیید و حمایت می‌کند؛ در خلال بررسی فرایند عضویت، به منظور ارزیابی میزان پیروی از معیارهای عضویت با اجرای ارزیابی متقابل موافقت می‌نماید؛ مشارکت فعالانه در این نهاد داشته باشد و همه توصیه‌های این نهاد را اجرا کند (www.fatf-gafi.org). علاوه بر

این گروه ویژه اقدام مالی در صدد پذیرش کشورهای است که به لحاظ راهبردی دارای اهمیت باشند. بر این اساس گروه ویژه اقدام مالی به ارزیابی کشورها بر مبنای شاخص‌های کمی مانند جمعیت، میزان تولید ناخالص ملی و شاخص‌های کیفی مانند اهمیت نسبی بخش مالی کشور متقاضی، میزان پیروی کشور متقاضی از استانداردهای مالی و مشارکت در سایر سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازد.

در این مرحله بر مبنای تصمیم مجمع عمومی، یک هیئت بلندپایه از متخصصان حقوقی و مالی به کشور متقاضی سفر می‌کنند. این هیئت شامل رئیس گروه ویژه اقدام مالی، اعضای منتخب گروه راهبردی عمدتاً از دیوان‌سالاران بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول است. هدف این هیئت از سفر به کشور متقاضی، تأیید تعهد کتبی وزرای مربوطه، نمایندگان پارلمان و مقامات صلاحیت‌دار است. این هیئت همچنین باید تعیین کند که آیا کشور متقاضی در شرایطی قرار دارد که بتواند به طور موفقیت‌آمیز ارزیابی متقابل را اجرا کند و آیا می‌تواند ظرف سه سال میزان رضایت‌بخشی از پیروی فنی از جمله توصیه‌های اساسی مربوط به اجرای رژیم مقابله با پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم مانند توصیه‌های شماره سه، پنج، ده، یازده و ۲۰ را محقق سازد. این ارزیابی طولانی است و معمولاً بیش از یک سال طول می‌کشد. اجرای توصیه‌های سه و پنج این نهاد مستلزم تصویب یا الحاق به کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم است. کشورها بر مبنای توصیه شماره سه باید کنوانسیون‌های وین یعنی کنوانسیون سال ۱۹۸۸ سازمان ملل علیه «قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان» و «کنوانسیون پالرمو» را جرم‌انگاری کنند و جرم پول‌شویی را به همه جرائم شدید تسری دهند. کشورها بر مبنای توصیه شماره پنج باید تأمین مالی سازمان‌های تروریستی را جرم‌انگاری کنند.

استلزامات این نهاد برای جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم بسیار موسع و گسترده است. دولت‌ها باید ورای آنچه در کنوانسیون تأمین مالی تروریسم وجود دارد، به جرم‌انگاری در این خصوص اقدام کنند. جرم تأمین مالی تروریسم دربرگیرنده هر فردی است که کمک مالی فراهم می‌کند یا جمع‌آوری می‌نماید با این نیت که آنها برای عملیات تروریستی توسط سازمان‌های تروریستی یا افراد تروریست استفاده شود. مطابق خط‌مشی گروه ویژه اقدام مالی، این قوانین باید تصریح کنند که کمک‌های مالی فراهم‌شده برای تروریست‌ها واقعاً نباید به هیچ اقدام

تروریستی خاص مرتبط شود. حال آنکه قوانین، تأمین مالی تروریسم را زمانی جرم تلقی می‌کردند که با اقدامات تروریستی مرتبط باشد. بر مبنای توصیه شماره ۲۰ مؤسسات مالی موظف هستند که وجوه مشکوک ناشی از عواید فعالیت مجرمانه را فوراً به واحد اطلاعات مالی گزارش دهند. این ابتکار به منزله ایجاد یک نهاد برای حقیقت‌یابی تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شود. هدف اصلی از ایجاد این نهاد، جمع‌آوری اطلاعات مالی در مورد شرکت‌ها و افراد و استفاده از این اطلاعات برای کشف، مسدود و مصادره پول‌های مورد استفاده در فعالیت‌های جنایی است (Morse, 2019: 18).

در مرحله دوم، این گزارش برای تصویب به مجمع عمومی ارائه می‌شود. مجمع عمومی بر مبنای گزارش هیئت بلندپایه تصمیم می‌گیرد از کشور متقاضی برای شرکت در این نهاد به عنوان عضو ناظر دعوت به عمل آورد یا خیر. اگر مجمع عمومی بر مبنای گزارش هیئت بلندپایه با دعوت از کشور متقاضی به عنوان عضو ناظر موافقت نکند، یک گروه تماس ایجاد می‌گردد. این گروه تماس با مقامات صلاحیت‌دار کشور متقاضی وارد تعامل خواهد شد و تعیین خواهد کرد که کشور متقاضی چه زمانی به طور موفقیت‌آمیز ارزیابی متقابل و توصیه‌های مطرح‌شده در مرحله اول را محقق خواهد ساخت. عضویت کامل تنها در صورتی اعطا می‌شود که ارزیابی متقابل رضایت‌بخش باشد. اگر کشور متقاضی موارد زیر را رعایت نکند، ارزیابی رضایت‌بخش نخواهد بود:

- موارد عدم پیروی آن کشور از پیروهای فنی (یعنی استلزامات ضروری برای اجرای توصیه‌های این نهاد از جمله چارچوب‌های حقوقی و ابزارهای اجرایی) هشت یا بیشتر باشد؛
- کشور متقاضی حداقل یکی یا بیشتر از توصیه‌های شماره سه، پنج، ده، یازده و ۲۰ را پیروی نکرده باشد یا تا حدودی پیروی کرده باشد؛
- کشور متقاضی از مجموع یازده توصیه اثربخش، حداقل هفت مورد یا بیشتر را به میزان اندک یا متوسط اجرا کرده باشد؛
- کشور متقاضی از مجموع یازده توصیه اثربخش حداقل چهار مورد یا بیشتر را به صورت اندک اجرا کرده باشد.

نکته مهم اینکه تا زمانی که کشور متقاضی حتی یکی از توصیه‌های سه، پنج، ده، یازده و ۲۰ را اجرا نکند هیچ‌گاه به عضویت گروه ویژه اقدام مالی در نخواهد آمد.

۲) رویکرد دربرگیرنده درونی‌سازی هنجاری

این نهاد برای تأثیرگذاری بر سیاست و رفتار کشورها، از سازوکار ارزیابی پیروی کشورها از توصیه‌های چهل‌و نه‌گانه استفاده می‌کند. این نظام پایش مبتنی بر خود ارزیابی و ارزیابی متقابل و به صورت دائمی است و برای هر عضو انجام می‌شود. متخصصان این نهاد، اجرای توصیه‌ها را بررسی می‌کنند و تحلیل جامعی از رویه‌ها و قوانین داخلی در حوزه پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم فراهم می‌آورند و در نهایت کارایی نظام داخلی در زمینه پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم را می‌سنجند.

با توجه به این که دبیرخانه این نهاد کوچک است، تیم ارزیابی، گروه کوچکی از متخصصان مالی و حقوقی هستند که عمدتاً از کشورهای عضو و مقامات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تشکیل شده‌اند. تیم ارزیابی‌کننده میزان پیروی از توصیه‌ها را بر مبنای پنج شاخص کیفی پیروی کامل، نسبتاً زیاد، تاحدوی، عدم پیروی و عدم اجرا مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این ارزیابی فنی و بسیار طولانی است و تقریباً بیش از یک دهه طول می‌کشد تا هر کشور به طور کامل مورد ارزیابی قرار گیرد. این نهاد در بین هر ارزیابی کامل از طریق نهادها و مجموعه منطقه‌ای خود، ارزیابی بسیار هدفمندی در حوزه مسائل خاص انجام می‌دهد.

این نهاد برای ترغیب کشورها به پیروی کامل از توصیه‌های چهل‌و نه‌گانه و درونی‌سازی آنها از روش نفوذ اجتماعی و اقناع‌سازی استفاده می‌نماید و بر مبنای رویکرد نفوذ اجتماعی از دو راهبرد یادگیری اجتماعی و شرمسازسازی بهره می‌گیرد. بر مبنای راهبرد یادگیری اجتماعی این نهاد با کمک نهادهای منطقه‌ای گروه ویژه اقدام مالی به برگزاری نشست‌های سالانه با حضور متخصصان مالی، حقوقی و انتظامی از سراسر جهان می‌پردازد. این نشست‌ها که از آن به عنوان مانور تیپولوژی یاد می‌شود، نقش مهمی در پایش ارزیابی‌ها ایفا می‌کند. مانور تیپولوژی هر ساله برای پایش تغییرات و فهم بهتر سازوکارهای اساسی پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم صورت می‌گیرد. در این مانورها نمایندگان نیروهای اجرای قانون، نمایندگان وزارت خزانه‌داری و عدلیه

کشورها حضور دارند و آنها در خصوص آخرین شیوه‌ها در زمینه پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و راه‌کارهای مقابله با آن آشنا می‌شوند. نمایندگان دولت‌ها در این مانورها همچنین موانع اجرای توصیه‌ها در کشورها و چگونگی مقابله با آن را یاد می‌گیرند. مانورها هم تشخیصی و هم مولد هستند و سه هدف مهم را دنبال می‌کنند: مبادله اطلاعات در مورد موارد پول‌شویی و عملیات موجود، شناسایی و توصیف روندهای پول‌شویی و شناسایی و تشریح اقدامات مؤثر برای مقابله با پول‌شویی. از سال ۱۹۹۵ نتایج این نشست‌ها به صورت عموم منتشر می‌شود. در سال‌های اخیر بر این نوع مانورهای تیپولوژی تأکید شده است. این اقدامات سبب شده که گروه ویژه مالی به منبع مهم شناخت در خصوص پول‌شویی و شیوه‌های مقابله با تأمین مالی تبدیل شود (Nance, 2018: 141).

شرمسازسازی مهم‌ترین ابزار گروه ویژه اقدام مالی برای درونی‌سازی رژیم مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است. بدین منظور این نهاد از فهرست سیاه استفاده می‌کند. این فهرست شامل کشورهایی است که از توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی پیروی نکرده‌اند؛ یعنی در مورد ده یا بیشتر از میان شانزده توصیه بسیار مهم این نهاد نمره قبولی دریافت نکرده‌اند. این نهاد، به تدریج کشورهای داخل در فهرست سیاه را افزایش داده، به نحوی که این فهرست در حال حاضر حتی کشورهای غیرعضو را نیز شامل می‌شود.

از آنجا که این نهاد فاقد قدرت اجرایی است و توانایی تحریم کشورها را ندارد در فهرست سیاه قرارگرفتن کشورها هیچ‌گونه تعهدی از منظر حقوق بین‌الملل ایجاد نمی‌کند. با توجه به اینکه این نهاد از اعتبار بین‌المللی بالایی برخوردار است و از سوی کشورهای توسعه‌یافته به عنوان نمادی برای احترام به ارزش‌های بین‌المللی شناخته می‌شود، از طریق فهرست سیاه به رتبه‌بندی کشورها اقدام می‌کند و بدین وسیله منزلت اجتماعی منفی به کشورهایی که از توصیه‌ها پیروی نکرده‌اند، اعطا می‌کند. بازیگران بازار از این فهرست به عنوان شاخصی برای ارزیابی و تعیین عملکرد کشورها در سطح جهانی استفاده می‌کنند.

قرارگرفتن در فهرست سیاه، شخصیت کشور را به چالش می‌کشد چراکه کشورها شدیداً نگران شهرت و رتبه اعتبار خود نزد سازمان‌ها و نهادهای مالی بین‌المللی هستند و از این که در این فهرست قرار گیرند، بیم و واهمه دارند. از این رو نماینده آرژانتین در سمینار منطقه‌ای

پول‌شویی به نماینده باربادوس اظهار داشت «امیدوارم که شما این تجربه را نداشته باشید» (Sharman, 2008: 646). تأثیرگذاری قرارگرفتن در فهرست سیاه همانند کنش کلامی است. یعنی قرارگرفتن نام یک کشور در فهرست سیاه، سیگنالی برای اقدام می‌باشد که بخشی از جهان را تغییر خواهد داد. اعطای منزلت اجتماعی منفی از طریق کنش کلامی موجب تأثیرات اقتصادی می‌شود زیرا شهرت پایدار یک فاکتور رقابتی مهم در محیط بین‌المللی است و ارتباط با مراکز مالی بین‌المللی نهادینه‌شده موجب می‌شود تصویری از آن کشور به عنوان یک کشور باثبات و مطمئن برای سرمایه‌گذاری به جهان مخابره شود (Sharman, 2009: 579).

فهرست سیاه هیچ‌گونه تحریم قانونی را تحمیل نمی‌کند اما بر مبنای توصیه شماره ۲۱ این نهاد، از نهادهای مالی همه کشورها درخواست می‌کند که برای تبادلات مالی با کشور قرارگرفته در فهرست سیاه بررسی‌های بیشتری را اتخاذ کنند و از تعاملات جدید با کشور مورد هدف اجتناب ورزند. به عبارت دیگر قرارگرفتن در فهرست سیاه این نشانه را برای بازیگران بازار ارسال می‌کند که تعاملات با نهادهای مالی در داخل این کشورها نیازمند بررسی بیشتر است. کشورها بر مبنای این فهرست، به سرعت هشدارها و مشاوره‌هایی در مورد کشور قرارگرفته در فهرست سیاه برای نهادهای مالی خود ارسال کرده و از آنها درخواست می‌کنند که اقدامات لازم را به عمل آورند.

تأثیرات قرارگرفتن در فهرست سیاه از طریق عدم همکاری دولت‌ها و واسطه‌های مالی مانند مؤسسات بیمه، مؤسسات حسابرسی و بانک‌ها نشان داده خواهد شد که موجب تحدید جریان سرمایه در آن کشور و تسریع در فرار سرمایه‌ها خواهد شد. از این رو رئیس یکی از واحد اطلاعات مالی اظهار داشت که فهرست سیاه برای کشورهای در حال توسعه شبیه شلیک به شقیقه است (Sharman, 2008: 645). از این رو تصمیم‌گیرندگان در دولت هدف پیش‌بینی می‌کنند به دلیل اینکه شهرتشان به خاطر قرارگرفتن در فهرست سیاه آسیب دیده است، متحمل ضررهای اقتصادی خواهند شد.

اقتناع‌سازی یکی دیگر از راهبردهای این نهاد برای جامعه‌پذیرسازی کشورها است. این نهاد معمولاً به هنگام مذاکره با کشورها برای اجرای توصیه‌ها یا به هنگام ترغیب کشورها برای پذیرش توصیه‌ها از این راهبرد استفاده می‌کند. علاوه بر این هنگامی که شرکت‌کنندگان در

نهادهای بین‌المللی و جامعه‌پذیری دولت‌ها (مطالعه موردی گروه ویژه اقدام مالی) ————— ۳۰۰

برنامه‌های آموزشی مانند مانورهای تیپولوژی، گروه ویژه اقدام مالی را به عنوان معلم هنجاری قبول نداشته باشند و خود را به عنوان یک نوآموز تلقی نکنند، این نهاد از راهبرد اقناع‌سازی استفاده می‌کند (Nance, 2018: 141).

اقناع‌سازی معمولاً از طریق مذاکرات تخصصی صورت می‌گیرد. در این مرحله این نهاد تلاش می‌کند ایستارهای مذاکره‌کنندگان در مورد سیاست خاص را از طریق استدلال برتر تغییر دهد. معمولاً مذاکره‌کنندگان بر ویژگی‌های ملی و حاکمیتی تأکید می‌کنند. نمایندگان این نهاد برای تغییر این نگرش ابتدا خود را به عنوان متخصص قابل اعتماد در مقابل پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم معرفی می‌سازند و تلاش می‌کنند کشورهای مذاکره‌کننده را متقاعد سازند که ایده‌های آنها قابل پذیرش نیست. راهبرد دیگر آنها برای متقاعدسازی، استفاده از اثبات اجتماعی است. در این روش، از قیاس استفاده می‌شود بدین معنی که مذاکره‌کنندگان از کشورها درخواست می‌کنند که اصلاحات خاص را انجام دهند زیرا سایر بازیگران که دارای ارزش‌ها و هویت‌های مشابه با کشورهای مذاکره‌کننده هستند، نیز از روندها و اقدامات مشابه پیروی کرده‌اند (Nance, 2018: 147). در این مرحله نهادهای منطقه‌ای گروه ویژه اقدام مالی نقش مهمی در اقناع‌سازی کشورها ایفا می‌کند. تقسیم‌بندی نهادهای منطقه‌ای به گونه‌ای است که کشورهای دارای ارزش‌ها و هویت‌های مشترک در داخل یک نهاد منطقه‌ای قرار می‌گیرند. از این رو کشورهای شرکت‌کننده در این نهادهای منطقه‌ای بهتر می‌توانند یکدیگر را درک کنند و همدیگر را قانع سازند.

جدول ۱: رویکردهای گروه ویژه اقدام مالی برای جامعه‌پذیرسازی

نوع رویکرد	نوع تاثیرگذاری	راهبرد	ابزار	شاخص تاثیرگذاری
طرد کنندگی	رسمی	قواعد سخت‌گیرانه عضویت	تصویب کنوانسیون پالمو و کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم	جرم‌انگاری پولشویی و تأمین مالی تروریسم مطابق کنوانسیون‌های مورد حمایت
	نهادی		ایجاد واحد اطلاعات مالی	تبادل اطلاعات در خصوص موارد مشکوک
درب‌گیرندگی	رفتاری	یادگیری اجتماعی و شرمسازسازی	برگزاری مانورهای تیپولوژی و فهرست سیاه	ارزیابی رفتار کشورها بر مبنای توصیه‌های چهل‌ونه‌گانه
	هنجاری (ارتباطاتی)	اقتناع‌سازی	معرفی خود به عنوان تخصصی‌ترین نهاد برای مقابله با پولشویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم و مذاکرات تخصصی در زمینه اجرای توصیه‌ها	درونی‌سازی هنجارهای مورد اشاعه به عنوان هنجارهای بدیهی

(و) ارزیابی عملکرد گروه اقدام در جامعه‌پذیرسازی

در نظام بین‌الملل رابطه میان محیط داخلی کشورها و محیط بین‌المللی بسیار پیچیده به نظر می‌رسد. در این راستا می‌توان به این واقعیت ملموس اشاره کرد که حقوق بین‌الملل و به موازات آن نهادهای بین‌المللی به عنوان قواعد و سازمان‌های حاکم بر روابط بین دولت‌ها در یک فرایند تاریخی تدریجی شکل گرفته‌اند که همگی ناشی از ضرورت وجود حیات جمعی بین‌المللی بوده‌اند؛ این اصول، قواعد و نهادهای بین‌المللی، به تعبیر شریفی طرازکوهی، در کلیت خود، اجتماع دولت‌های به دنبال منافع فردی را به سوی جامعه دولت‌های به دنبال اهداف و منافع جمعی سوق می‌دهند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۸۵: ۲۰).

اجتماع دولت‌ها بر مبنای ارزش‌ها و منافع مشترک حاکی از وجود یک جامعه بین‌المللی است که دولت‌ها در جهت نهادینه‌کردن آن، ضمن شناسایی ارزش‌های جامعه بین‌المللی از طریق حقوق بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی اقدام می‌کنند (Ellis, 2005: 28). در فضای نیاز متقابل

نهادهای بین‌المللی و جامعه‌پذیری دولت‌ها (مطالعه موردی گروه ویژه اقدام مالی) ————— ۳۰۲

کشورها، قواعد ناشی از توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی در جهت تحکیم نظم جامعه بین‌المللی و جامعه‌پذیرسازی دولت‌های با حاکمیت برابر بسیار مؤثر هستند و می‌توان آنها را نماد همکاری جامعه بین‌المللی دانست. هر زمان میان حاکمیت دولت‌ها و تصمیمات الزام‌آور مجامع بین‌المللی تعارضی پیش آید، به لحاظ پاسداری از مقتضیات نظم عمومی بین‌المللی، این تصمیم‌سازمان‌های بین‌المللی است که اولویت و قابلیت اجرا خواهند یافت (موثقی، ۱۳۸۹: ۳۲۲). دولت‌ها معمولاً یک اجتماع بین‌المللی را بر مبنای ارزش‌های مشترک و اصول کلی رفتار شکل می‌دهند. علاوه بر وجود اجتماع بین‌المللی دولت‌ها، شرط ضروری برای یک جامعه بین‌المللی هویت مشترک در میان دولت‌هاست. جهت‌گیری‌های جامعه بین‌المللی در قبال ظهور پدیده‌هایی چون پولشویی و تأمین مالی تروریسم ناشی از هویت مشترک دولت‌هاست.

یافته‌ها و مطالعات گروه ویژه اقدام مالی، در نوع خود یک منبع مهم علمی در زمینه پولشویی و تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شود (Jakobi, 2015: 16). این نهاد در توصیف خود و اقداماتش این‌گونه ابراز می‌دارد: «ما یک سازمان بین‌المللی هستیم که به منظور ایجاد اراده سیاسی لازم برای اصلاحات قوانین و مقررات مربوط به مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم فعالیت می‌کنیم. وظیفه ما تعیین استانداردها و گسترش اجرای مؤثر اقدامات قانونی و عملیاتی برای مبارزه با پولشویی، تأمین مالی تروریستی و سایر تهدیدهای مربوط به یکپارچگی نظام مالی بین‌المللی است.» (FATF Report, 2002-2003) این نهاد بین‌المللی که توانسته است بخش اعظم کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و حتی نهادهای غیردولتی را در راستای اهداف خود هماهنگ کند، در نوع خود، مدلی بسیار جالب و جذاب تلقی می‌شود (Jakobi, 2015: 393).

استفاده ترکیبی و هوشمندانه گروه ویژه اقدام مالی از راهبردهای جامعه‌پذیرسازی در درونی‌سازی هنجارهای مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم مرهون یک اقتصاد سرمایه‌داری جهانی شده است به نحوی که بسیاری از کشورها به منظور کسب پاداش‌ها و امتیازات لازم یا رهایی از تهدیدات و مجازات‌های این گروه، اقدامات لازم برای پیروی از توصیه‌های این نهاد را آغاز کرده‌اند. اجرای توصیه‌های گروه ویژه در واقع تسریع در جامعه‌پذیری دولت‌ها جهت ایجاد زمینه‌های لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تلقی

می‌شود. توصیه‌های این نهاد مجموعه‌ای از اصول و سازوکارهای مشترکی است که به نظر می‌رسد ضرورت وجود آنها در نظام و جامعه بین‌المللی کنونی احساس می‌شود. بر این اساس، دولت‌ها باید بر مبنای برابری حاکمیت‌ها در برخورد و رعایت توصیه‌های گروه ویژه، تعامل حقوقی متقابل داشته باشند.

شکل‌گیری قواعد و توصیه‌های گروه ویژه در برابر نیازهای جامعه بین‌المللی و از مجرای رضایت و توافق کشورها صورت گرفته است. خصیصه الزام‌آور این توصیه‌ها ناشی از توافق، همکاری و تشریک مساعی کشورها در ایجاد یک نظم بین‌المللی با رویکرد مبارزه با پاره‌ای از ناهنجاری‌های بین‌المللی نظیر پولشویی و تأمین مالی تروریسم است و در درجه اول متوجه همزیستی مسالمت‌آمیز میان آنها و در جهت تحکیم امنیت جمعی و ارتقای همکاری‌های بین‌المللی است. وظیفه گروه ویژه در این راستا انتظام و انسجام روابط میان کشورها از طریق اجرای توصیه‌ها با عقلانیت جهان‌شمول و مشروع در میان تمام کشورهاست. در واقع، گروه ویژه، مرحله‌ای عالی از تکنیک تنظیم روابط بین‌المللی و گسترش جامعه‌پذیری دولت‌ها و سازمان‌ها در امر مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم را به اجرا درمی‌آورد.

ایجاد و نهادینه‌کردن راهبردهای گروه ویژه، اعمال نظارت بر چگونگی اجرای توصیه‌ها، نظارت بر اجرای الزامات بین‌المللی ناشی از توصیه‌ها، تبیین اصول شبه‌اجباری و اقدامات تأمینی با رویکرد استحکام اصول و مقررات گروه و بررسی ضمانت اجراهای گروه ویژه از مواردی است که ارتباط مستقیمی با نقش گروه ویژه در جامعه بین‌المللی و جامعه‌پذیرسازی دولت‌ها در نظام بین‌المللی دارد. اقدامات راهبردی این نهاد به گونه‌ای تدوین شده است که کشورها را ناگزیر از اجرای توصیه‌های بین‌المللی می‌کند. در این بین، راهبرد این گروه در بسط فهرست سیاه و تسری آن به همه کشورها در وادارسازی آنها به پذیرش و درونی‌سازی این هنجارها، نقش بسزایی داشته است. این امر سبب شده بسیاری از کشورهایی که مایل به عضویت در این نهاد نبودند یا با اتخاذ راهبرد کنش ادعایی فرایند پذیرش این هنجارها را به تأخیر انداخته بودند به سرعت این هنجارها را درونی سازند. برای مثال، گروه ویژه اقدام مالی از سال ۲۰۰۱ جرم-انگاری تأمین مالی تروریسم را به عنوان یک اولویت مهم تلقی کرد و این امر را به عنوان نشانه

نهادهای بین‌المللی و جامعه‌پذیری دولت‌ها (مطالعه موردی گروه ویژه اقدام مالی) ————— ۳۰۴

روشنی از تغییر سیاست و رفتار در نظر گرفت. روند پذیرش کنوانسیون مقابله با تروریسم از سوی کشورها، خصوصاً بعد از سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است.

اگرچه پولشویی و تأمین مالی تروریسم در این رژیم بین‌المللی به عنوان دو فعالیت مجرمانه متمایز در نظر گرفته شده است، اما در واقع آنها مکمل یکدیگرند و چهارچوب اساسی آنها مشابه هم است. در هر دو پدیده، طرفین درگیر توجیه و مشروعیت بخشیدن به جابجایی‌های پولی و گردش‌های نقدی هستند؛ با این توضیح که در مورد تأمین مالی تروریسم، این جابجایی و گردش نقدی برای فعالیت‌های تروریستی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در مورد پولشویی، پول نقد جلوه قانونی پیدا می‌کند و در معاملات اقتصادی قانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این توصیه‌ها تلاش دارند تا به جرم‌انگاری پدیده‌های مزبور در نظام داخلی کشورها با تکیه بر کنوانسیون ۱۹۹۹ مجمع عمومی درخصوص سرکوب تأمین مالی تروریسم و همکاری با سیستم تحریم‌های شورای امنیت پردازند (Wouters & Duquet, 2013: 160).

گروه ویژه اقدام مالی به منظور حفظ جایگاه خود و ترغیب بازیگران به پذیرش روندهای بین‌المللی و جامعه‌پذیری سیاسی، سازوکارهای نظارتی پیچیده‌ای را برای تضمین رعایت مقررات خود ایجاد کرده است و نیز تضمین‌ها و واکنش‌های نهادینه‌شده‌ای را در قبال نقض آن مقررات پیش‌بینی نموده است. «این گونه سازوکارهای پیش‌بینی‌شده ثابت می‌کنند که دولت‌ها بر این باورند که تعهدات مشترک مهمی برای کشورها در جامعه بین‌المللی وجود دارد» (زمانی و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۴) که می‌بایست همه به آنها پایبند باشند.

این نهاد از سال ۲۰۰۹ بر مبنای راهبرد شرمسارسازی، فهرست کشورهایی که از توصیه‌های گروه ویژه پیروی نکردند را منتشر نمود. بعد از انتشار این فهرست، تعداد کشورهایی که از توصیه گروه ویژه پیروی نمودند، به مقدار زیادی افزوده شد به نحوی که ۹۰ درصد کشورهایی که در فهرست سیاه قرار داشتند، در قوانین داخلی خود تأمین مالی تروریسم را جرم تلقی کردند یا به منظور تأمین خواسته‌های این نهاد، قوانین داخلی در زمینه مقابله با تأمین مالی تروریسم را تقویت نمودند (Morse, 2019: 22).

علاوه بر این راهبرد شرمسارسازی نقش اساسی در تعیین رویکردها در زمینه پذیرش هنجارهای این نهاد داشته است. کشورهایی که نگران شهرت خود و صدمات ناشی از آن هستند،

معمولاً به دو صورت انفعالی یا پیشگیرانه واکنش نشان می‌دهند (Sharman, 2009: 574). کشورهایمانند اتریش که بخش خصوصی قوی دارند یا بخش مالی آنها نگران شهرت و اعتبار خود هستند، معمولاً راهبرد پیش‌گیرانه را اتخاذ می‌کنند. اتریش در دهه ۱۹۹۰ با این بدگمانی‌ها روبرو بود که برخی از قوانین بانکداری آن، اجازه فعالیت مخفیانه بانکی را به بعضی از افراد و نهادها می‌دهد. این امر سبب شد تا کمیسیون اروپا از ۱۹۹۹ وارد پروسه تحقیقاتی شود و در فوریه ۲۰۰۰ گروه ویژه دولت اتریش را تهدید به تعلیق از این نهاد و حتی تحریم اساسی کرد. این تهدیدات مؤثر افتاد و دولت اتریش در یک اقدام پیش‌گیرانه در سال ۲۰۰۰ با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که با استانداردهای گروه ویژه همکاری خواهد کرد و البته، بلافاصله دست به کار شد و قوانین لازم در این زمینه را به تصویب پارلمان رساند (Mugarura, 2016). قبل از اتریش دولت ترکیه مورد سوءظن قرار گرفته بود. گروه ویژه با انتشار بیانیه‌ای عمومی از تمامی نهادها و افراد خواست تا تراکنش‌های خود را با افراد و نهادهای داخل ترکیه محدود سازند. انتشار این بیانیه در تعدیل رفتار ترکیه بی‌تأثیر نبود.

در مقابل، کشورهایی که بخش خصوصی‌شان نسبتاً ضعیف است یا کشورهایی که بخش مالی‌شان قوی است اما اعتبار آنها به محرمانه‌بودن ماهیت مشتریان وابسته است، سیاست واکنشی و انفعالی را انتخاب می‌کنند. این دسته از کشورها معمولاً بعد از مشاهده صدمات اقتصادی ناشی از کاهش شهرت و اعتبار خود به سرعت شروع به اصلاح رویه خود و اجرای توصیه‌های چهل‌ونه‌گانه می‌نمایند. برای مثال تایلند تا سال ۲۰۰۷ تنها دو توصیه از توصیه‌های چهل‌ونه‌گانه را رعایت کرد و در سال ۲۰۱۰ وارد فهرست سیاه شد. دولت تایلند بعد از قرارگرفتن در این فهرست به سرعت شروع به اصلاحات در قوانین داخلی و جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم نمود و سرانجام در اوایل ۲۰۱۲ از فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی خارج شد. علاوه بر این، جزایر کیمن که پذیرای صدها بانک و شرکت‌های خدمات مالی است، یک‌سال بعد از قرارگرفتن در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی، قوانین خود در زمینه شفاف‌سازی اطلاعات مالی و مقابله با تأمین مالی تروریسم را با توصیه‌های این نهاد منطبق نمود. پاکستان نیز از کشورهایی است که مورد توجه گروه ویژه قرار گرفته و البته مُصرانه در پی جلب اطمینان مسئولان گروه ویژه اقدام مالی درباره اجرای تمهیدات ضدپولشویی، فساد و تأمین مالی تروریسم است و در این زمینه

نهادهای بین‌المللی و جامعه‌پذیری دولت‌ها (مطالعه موردی گروه ویژه اقدام مالی) ————— ۳۰۶

گام‌های بلندی نیز برداشته است هرچند این اقدامات هنوز کافی تشخیص داده نشده است. کشور دیگری که در فهرست خاکستری گروه ویژه قرار گرفت، امارات متحده عربی بود که به دلیل ناکامی در مبارزه مؤثر با مراودات مالی مشکوک زیر تیغ انتقادات کارشناسان و سازمان‌های بین‌المللی قرار دارد. مقامات امارات پس از قرارگرفتن نام کشورشان در این فهرست، وعده «اقدامات قوی» علیه پولشویی و تأمین مالی تروریسم دادند.

در آفریقا نیز کشورهایی هستند که تحت فشار گروه ویژه برای پذیرش هنجارهای بین‌المللی و بروز رفتارهای جامعه‌پذیرانه هستند، از جمله آنها می‌توان از مالی، زیمبابوه و بوتسوانا یاد کرد. زیمبابوه با انجام فشرده توصیه‌های گروه ویژه و اتخاذ رویکرد جامعه‌پذیرانه، از این فهرست خارج شده است. وزیر دارایی و توسعه اقتصادی این کشور، طی بیانیه‌ای حذف زیمبابوه از فهرست خاکستری را رأی اعتماد دیگری از سوی جامعه بین‌المللی دانست و پیروی و تبعیت از استانداردهای سخت‌گیرانه گروه ویژه را نه یک الزام و اجبار بلکه موضوعی فراتر از آن توصیف کرد که وجهه کشور به عنوان مقصدی برای سرمایه‌گذاری و تجارت را ارتقا می‌دهد (economic.mfa, 673345). همچنین در اواخر سال ۲۰۲۱ - تقریباً سه سال پس از ورود به فهرست خاکستری گروه ویژه - اعلام شد که بوتسوانا از فهرست خاکستری حذف شده است. دولت این کشور در راستای جامعه‌پذیری بین‌المللی، با ارائه پیش‌نویسی اعلام داشت که نه تنها به دنبال به رسمیت‌شناختن معامله کریپتو (ارز دیجیتال) هستند، بلکه قصد دارند «مقرراتی برای مدیریت، کاهش و جلوگیری از پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم» را در این قانون پیشنهادی لحاظ کنند. این پیش‌نویس همچنین به دنبال جلوگیری از خطرات تکثیر مرتبط با دارایی‌های مجازی و شیوه‌ها و فناوری‌های نوظهور تجاری است.

نمونه‌های فوق‌بیانگر موفقیت این سازمان در کنترل رفتار اقتصادی کشورهاست. اکثر کشورهای هدف گروه ویژه اقدام مالی، به فاصله اندکی پس از اعلان نام‌شان در فهرست خاکستری، تغییر رفتار داده و مبادرت به تدوین و تنظیم قوانین و مقرراتی در راستای توصیه‌های این نهاد بین‌المللی کردند و دوری از هنجارشکنی و جامعه‌پذیری خود را علناً به رخ کشیدند و در هنگام بازگشت به حیات جمعی بین‌المللی ابراز خرسندی بسیار نمودند. تغییر رفتار اکثر

دولت‌های تحت هدف، به بیش از دو یا سه سال نکشیده است زیرا از عواقب ناخوشایند پردشدگی بین‌المللی و فشارهای اقتصادی ناسی از آن بسیار هراسان بودند.

جایگاه گروه ویژه با توجه به تعداد اعضای آن که با سازمان ملل متحد برابری می‌کند، در جامعه بین‌المللی از اعتبار ممتازی برخوردار است. اجرای توصیه‌های آن توسط کشورها نیز، موقعیت این نهاد را در جامعه بین‌المللی بسیار مستحکم کرده است. همکاری ۲۰۵ کشور و وجود چندین سازمان بین‌المللی به عنوان ناظر در این نهاد و همکاری دیگر سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و جهانی، آشکارا حکایت از انطباق گروه ویژه با موضوعات مختلف نظام حقوقی بین‌المللی و نیز موفقیت این نهاد در فرایند جامعه‌پذیرسازی دولت‌ها و نظام‌های سیاسی در جهان دارد. بدین ترتیب، اقدامات گروه ویژه در چارچوب حقوق بین‌الملل از اعتبار قانونی برخوردار است. علاوه بر این، به موجب الزامات ناشی از تصمیمات سازمان ملل و شورای امنیت در قالب قطعنامه‌های الزام‌آور، گروه ویژه دارای پشتوانه اجماع بین‌المللی و وفاق جهانی است که خود مشروعیت گروه ویژه و مصوبات آن را در عرصه بین‌المللی نمایان می‌سازد.

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که روند حرکت نظام بین‌المللی به تدریج در حال سیر از قدرت محوری به قانون محوری است و همین روند موجب شده که نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها به تدریج عملکرد خود را با موازین و ضرورت‌های حقوق بین‌الملل منطبق سازند (سادات میدانی، ۱۳۸۴: ۲۴۱). تفکر فراملی در ساختار نظام بین‌الملل، قواعد خود را بر کشورها تحمیل می‌کند و کشورها نیز در یک فضای تعاملی درمی‌یابند که در عین تعارض منافع، در جامعه بین‌المللی سرنوشت مشترک هم دارند: بدین ترتیب، نظام بین‌المللی، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها (دولت‌های ملی) است که در راستای رسیدن به هدف مشترک (تأمین امنیت) با یکدیگر تعامل می‌کنند (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۵). در این مسیر راهی جز همکاری و هماهنگی کشورها در چارچوب نهادهای بین‌المللی مانند گروه ویژه اقدام مالی وجود ندارد چراکه این نهادهای بین‌المللی می‌توانند با تنظیم قواعد بین‌المللی از رهگذر مصوبات و قراردادهای آنها را با ضروریات روز وفق دهند و جامعه بین‌المللی امن‌تری را برای تمام اعضا فراهم نمایند.

نتیجه‌گیری

گروه ویژه اقدام مالی بعد از یازده سپتامبر نقش منحصر به فردی در اشاعه هنجارهای مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم ایفا کرده است. حضور اکثر بازیگران بین‌المللی و تأکید بر هنجارهای نرم به جای اقدامات قهری و تلاش برای جهانشمول‌سازی این هنجارها سبب شد این نهاد به یک بازیگر هنجارساز در زمینه پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم تبدیل شده و همه کشورهای دنیا به صورت مستقیم و غیرمستقیم از اقدامات این نهاد متأثر شوند.

نکته مهم در خصوص شیوه جامعه‌پذیرسازی گروه ویژه اقدام مالی و استفاده هوشمندانه آن از هنجارهای نرم است. این نهاد تنها به عنوان یک نهاد هنجارساز عمل می‌کند و اعمال قدرت و نفوذ آن از سوی سایر نهادها مانند شورای امنیت سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و... صورت می‌گیرد. اتخاذ این شیوه موجب شده که این نهاد از انعطاف‌پذیری بالایی در زمینه انطباق با شرایط و تحولات محیط بین‌المللی برخوردار باشد و درگیر ملاحظات سیاسی و چانه‌زنی‌های سیاسی متعارف در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نشود. این ترکیب هوشمندانه از قدرت نرم همراه با اعمال غیرمستقیم قدرت سخت، فضایی محدودی را برای چانه‌زنی‌های سیاسی فراهم می‌آورد و کشورهایی که حاضر به پیروی از توصیه‌های آن نیستند یا کشورهای غیرعضو فضای بسیار محدودی برای بازیگری در اختیار خواهند داشت. این دسته از کشورها اگرچه تلاش خواهند کرد از طریق کنش ادعایی یا سایر راهبردها از قبیل مشروط‌سازی، به گونه‌ای از درونی‌سازی هنجارهای مورد اشاعه این نهاد خودداری کنند یا آن را محدود سازند اما از آنجا که در این نهاد بر پیروی از هنجارها بیش از سیاست و قدرت تأکید می‌شود و قبولاندن این شروط و محدودیت‌ها، مستلزم اقناع‌سازی همه اعضاست، تحقق این امر بسیار سخت و مشکل است. در نتیجه این دسته از کشورها در وضعیتی قرار می‌گیرند که باید تصمیم راهبردی در خصوص عضویت در گروه ویژه اقدام مالی و پیروی از هنجارهای آن یا عدم عضویت و تحمل مجازات‌های غیرمستقیم را اتخاذ کنند.

منابع

- امارات پس از قرار گرفتن در فهرست خاکستری «افسای تی اف»: <https://per.euronews.com/2022/03/05>
- بلامی، الکس. جی. (۱۴۰۱). *جوامع امن و همسایگان*، ترجمه محمود یزدان‌فام و پریسا کریمی، ج ۳، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- چگینی‌زاده، غلامعلی و نادر پورآخوندی (۱۳۹۳). *جامعه‌پذیری دولت در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره ۳، صص ۱۷۰-۱۳۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و علی جدیدی (۱۳۸۹). *نظریه‌های سازه‌انگاری و سازمان‌های بین‌المللی*، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۲، شماره ۲۸، صص ۸۷-۱۱۲.
- زمانی، سیدقاسم و هاله حسینی اکبرنژاد (۱۳۹۴). *جامعه بین‌المللی و عدالت کیفری جهانی*، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۳ (۵۴)، صص ۳۱۵-۳۳۹.
- سادات‌میدانی، حسین (۱۳۸۴). *صلاحیت قانونگذاری شورای امنیت*، ج ۱، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۵). *اصول روابط بین‌الملل*، ج ۱، تهران: نشر سفیر.
- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۸۵). *هنجارهای حقوق بشری و پردازش حقوق بین‌المللی*، مجله پژوهش حقوقی، شماره ۷، صص ۱۷-۲۴.
- کنز‌نشتاین، پیتر. جی. (۱۳۹۰). *فرهنگ امنیت ملی*، ترجمه محمدهادی سمتی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خروج زیمبابوه از فهرست خاکستری گروه ویژه اقدام مالی: <https://economic.mfa.ir/portal/NewsView/673345>
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳). *مطالعه سازه‌انگاره سازمان‌های بین‌المللی و امکانات پژوهشی*، سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۵، صص ۳۵-۷.
- مفیدی احمدی، حسین (۱۳۹۳). *جامعه‌پذیری در نظریه روابط بین‌الملل (محاسبه ابزاری عقلانی؛ بازی نقش عقلانی یا فراتر از آن)*، *رهیافت سیاسی بین‌المللی*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۲۵.
- موتقی، حسن و سیدقاسم زمانی (۱۳۹۱). *حقوق بین‌الملل میان حاکمیت اراده و قانون*، ج ۱، تبریز: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- والتیوکوس، نیکلاس (۱۳۷۶). *سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بین‌الملل*، ترجمه مرتضی نجفی اسفاد، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۵ و ۶، صص ۱۸۷-۲۰۰.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۷). *قواعد و هنجارهای بین‌المللی: پیدایش، تحول و تأثیرگذاری*، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۱، ش ۴، شماره مسلسل ۴۲، صص ۷۵۷-۷۷۸.
- خروج زیمبابوه از فهرست خاکستری گروه ویژه اقدام مالی: <https://economic.mfa.ir/portal/NewsView/673345>
- Alderson, Kai (2001). Making Sense of State Socialization, *Review of International Studies*, 27(3), 415-433.
- Checkel, Jeffrey T. (2000). *Compliance and Conditionality*. Available: https://www.sv.uio.no/arena/english/research/publications/arena-working-papers/1994-2000/2000/00_18.html.
- Checkel Jeffrey T. (2001). Why Comply? Social Learning and European Identity Change, *International Organization*, 55,(3).553-588.
- Checkel, Jeffrey T. (2005). *International Institutions and Socialization in Europe*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Ellis, David C. (2005). Defending the international Interest, a Dissertation presented for the degree of doctor of philosophy, University of Florida, Encyclopedia of public international law.
- FATF Report on Money Laundering and Terrorist Financing Typologies, 2002-2003
- Flockhart, Trine (2005), Socializing Democratic Norms the Role of International Organizations for the Construction of Europe, London: Palgrave Macmillan Ltd.
- Gathii, James Thuo (2010). *The Financial Action Task Force and Global, Administrative Law*, available at :<https://lawcommons.luc.edu/cgi/viewcontent.cgi?referer=&httpsredir=1&article=1410&context=facpubs>.
- Gheciu, Alexandra (2005). NATO in the New Europe :The Politics of International Socialization After the Cold War, California: Stanford University Press.
- Jakobi, Anja P. (2015). Global Networks against Crime: Using the Financial Action Taskforce as a Model?, *International Journal* forthcoming, Vol. 70, No. 3, pp. 391-407.
- Ikenberry G. John & Charles A. Kupchan (1990). "Socialization and Hegemonic Power", *International Organization*, 44,(3), 283-315.
- Ghoshray, Saby F. (2015). Compliance Convergence in FATF Rulemaking: The Conflict Between Agency Capture and Soft Law, *NYLS Law Review*, 59(3),521-545.
- Koremenos, Barbara and et al, (2001). The Rational Design of International Institutions, *International Organization*, 55(4), 761-799.
- Martin, Lisa L. & Beth A. Simmons (1998). Theories and Empirical Studies of International Institutions. *International Organization*, 52(4), 729-757.
- Mofidi Ahmadi, Hossein (2014). Socialization in International Relations Theory (Computation of Rational Instrument; Rational Role Playing or Beyond, *International Political Approach*, 6(1),105-125.
- Morse, Julia.C. (2019). Blacklists, Market Enforcement, and the Global Regime to Combat Terrorist Financing, *International Organization*, 73(3), 2-64.
- Nance, Mark T. (2015). "Naming and Shaming in Financial Regulation: Explaining Variation in the Financial Action Task Force on Money Laundering". In: Friman, H.R. (ed.), *The Politics of Leverage in International Relations: Name, Shame, and sanction* , Palgrave studies in international relations s. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Nance, Mark T. (2018). Re-thinking FATF: an experimentalist interpretation of the Financial Action Task Force, *Crime, Law Law and Social Change*, 69(2),131-152.
- Risse, Thomas and et al (2007). *The Power of Human Rights: International Norms and Domestic Change*, New York: Cambridge University Press.
- Sharman, Jason C. (2008). Power and Discourse in Policy Diffusion: Anti-Money Laundering in Developing States, *International Studies Quarterly*, 52(3),635-656.
- Sharman, Jason C. (2009). The Bark Is the Bite: International Organizations and Blacklisting, *Review of International Political Economy*,16(4) 573-596
- Schimmelfennig, Frank (2002), Introduction: The Impact of International Organizations on the Central and Eastern European States – Conceptual and Theoretical, in Ronald H. Linden, *Norms and Nannies : Impact of International Organization on the Central and East European States* ,The Issues, Rowman & littlefield Publishers.
- Schimmelfennig, Frank (2005). Strategic Calculation and International Socialization: Membership Incentive, Party Constellations and Sustained Compliance in Central and Eastern Europe, *International Organization*, 59(4),827-860.
- Thies, Cameron G. (2010). State Socialization and Structural Realism, *Security Studies*, 19(4),689-717.
- Turner, Nichola W. (2015). The Financial Action Task Force: International Regulatory Convergence Through Soft Law, *NYLS Law Review*, 59(3), 547-559.
- Wouters, jan & Sanderijn Duquet (2013). The United Nation, the European Union and Multilateral Action against Terrorism, *EU Management of Global Emergencies*, Vol 8.
- Zürn, Michael & Jeffrey T. Checkel (2005). Getting Socialized to Build Bridges: Constructivism and Rationalism, *Europ, International Organization* 59(4),1054-1079
- www.fatf-gafi.org/about/membersandobservers/membershipprocessandcriteria.html